

## عاشورا عمل عرفه است/ صوتی



ما عرفه را از عاشورا جدا کرده‌ایم اما امام حسین(ع) این دو را با هم منضم کرده است؛ عاشورا عمل عرفه است و امام حسین(ع) خواست بگوید که همه‌اش حرف نیست، در عرفات دعا را با چشم‌های اشکبار خواند و روز عاشورا هم همان دعا را با بدن زخم شده پیاده کرد.

ما عرفه را از عاشورا جدا کرده‌ایم اما امام حسین(ع) این دو را با هم منضم کرده است؛ عاشورا عمل عرفه است و امام حسین(ع) خواست بگوید که همه‌اش حرف نیست، در عرفات دعا را با چشم‌های اشکبار خواند و روز عاشورا هم همان دعا را با بدن زخم شده پیاده کرد.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله ضیاء‌آبادی در جلسه تفسیر اخیر هفتگی خود به بیان نکاتی در باب ایام ماه ذیحجه و همچنین ماه محرم پرداخت.

ذیحجه؛ ماه ولایت/ نزول چهار دسته از آیات مرتبط با ولایت امیرالمؤمنین(ع) در ماه ذیحجه آیت‌الله ضیاء‌آبادی در مورد ایام ماه ذیحجه گفت: دهه اول این ماه مربوط به مناسک حج بود، دهه دوم هم عید سعید غدیر را داریم که روز نصب امیرالمؤمنین(ع) به خلافت و امامت و روز اکمال دین و اتمام نعمت است. روز 24 این ماه هم روز مباحله است. در این روز واقعه دیگری هم بوده است که مسئله خاتم‌بخشی امام علی(ع) بوده است و آیه ولایت در مورد آن نازل شده است. 25 این ماه هم سوره هل اتی نازل شده است که در آن خدا خاندان امیرالمؤمنین علی(ع) را مدح کرده است.

نبوت و امامت مقدمه است

ایشان با بیان این که همه این‌ها، نبوت و امامت و ... مقدمه است برای خدا، اظهار کرد: هدف ارتباط با خدا است. ما بحث می‌کنیم راجع به نبوت و امامت، قاطع هم بحث می‌کنیم، اما هدف اصلی این است که با خدا مرتبط باشیم، عمده این است و تمام این‌ها هم برای تحکیم اساس توحید و ارتباط با خدا بوده است.

آیت‌الله ضیاء‌آبادی ادامه داد: آن روز اولی که پیغمبر(ص) در میان مردم آمد گفت: بگوئید «لا اله الا الله» تا رستگار شوید؛ و تا آخر هم همین است. این حرف خیلی پرمغز است و تا روز قیامت هم حرف همین است؛ یعنی ای مردم سعادت شما منحصر در این است که بگوئید «لا اله الا الله»؛ نه فقط لفظ بگوئید، لفظ گفتن که مهم نیست که! یعنی باورتان بشود که جز الله کسی حاکم بر افکار شما، اخلاق شما، اعمال شما نباید باشد، در زندگی شما تنها کسی که می‌شود حکومت کند الله باشد، فقط دین او و برنامه او باید در زندگی شما تحقق پیدا کند. «لا اله الا الله» خیلی عمیق است، یعنی هیچ موجودی مطاع نیست و معبود نیست جز الله.

پیغمبر(ص) و امامان(ع) مطاع بالاذن و محبوب تبعی‌اند

ایشان با بیان این که حتی پیغمبر(ص) و امامان(ع) مطاع مستقل نیستند بلکه مطاع بالاذن‌اند، اظهار کرد: خدا گفته است که من باید ولی شما باشد اما معین کرده‌ام که از این راه بیاوید، از راه علی و آل علی(ع). پس علی و آل علی مطاع مستقل ما نیستند و محبوب مستقل ما هم نیستند؛ محبوب تبعی هستند. آنی که محبوب اصلی ماست خدای ماست. من هستم و خالقم. آن کسی را که مرا خلق کرده است او را دوست دارم؛ او که خلق کرده، به من نفس می‌دهد، او را می‌خواهم. اوایی که با او کار دارم این است، نفسم دست خداست، دست پیغمبر(ص) هم نیست، دست امام زمان(ع) هم نیست. آن‌ها مظاهر صفت خدا هستند، اما آنی که خالق من است خداست و باید مطیع فرمان خدا باشم. عقل همین را می‌گوید، قرآن هم همین را می‌گوید. خدا را فراموش نکنیم. اگر او نباشد هیچ چیز درست نیست.

گناه، کاشف از نبود محبت و معرفت به خداست

آیت‌الله ضیاء‌آبادی در ادامه با بیان این که هدف خلقت ما معرفت الله، محبت الله و طاعت الله است، به تشریح این معانی پرداخت و از ابتدای طاعت بر محبت و محبت بر معرفت سخن گفت و بیان کرد: قاعده این است که اول معرفت بیاوید، به دنبال آن محبت و به دنبالش اطاعت. وقتی انسان کسی را به کمال شناخته است او را دوست دارد. اگر ببینم اطاعت نمی‌کنم هم باید بدانم که دوست ندارم و اطاعت کاشف از محبت است. این معقول نیست که آدم کسی را دوست بدارد ولی او را اذیت کند و اعتنا به حرفش نکند. کدام محبی در عالم است که معشوقش را اذیت کند و بی‌اعتنایی کند به معشوقش. اگر چنین کند در ادعای عشقش دروغ‌گوست. این یک امر کاملاً عقلایی و عرفی و وجدانی است که انسان اگر کسی را دوست بدارد اذیتش نمی‌کند، نافرمانی نمی‌کند و بی‌اعتنایی به او نمی‌کند. پس اگر گناه باشد کاشف از این است که محبت و معرفت نیست. گفته است این ریاست‌طلبی حرام است، ریاست‌طلبی می‌کنم، شهرت‌طلبی می‌کنم، بخل می‌ورزم، حسد دارم، طمع دارم ... پس معلوم می‌شود که دوستش ندارم که گناه می‌کنم.

آن کسی که حق را زیر پا می‌گذارد چطور می‌گوید که حسین دوستم؟ ایشان با بیان این که این امر در مورد نسبت ما با ائمه (ع) هم وجود دارد، اظهار کرد: غالباً ادعای حسین دوستی می‌کنند اما حسین دوستی وقتی است که او را بشناسد. بشناسد که حسین (ع) دین را می‌خواهد، فریادش این بود که مگر نمی‌بینید که حق ادا نمی‌شود. گفت من خودم را آماده کشته شدن کرده‌ام و این که فرزندان و خانواده‌ام اسیر بشود، برای این که به حق عمل نمی‌شود. آن کسی که حق را زیر پا می‌گذارد چطور می‌گوید که حسین دوستم؟ این طور نیست حسین حق را می‌گوید. حسین گفت مگر ندیدید که به حق عمل نمی‌شود و یزید می‌خواهد حق را از بین ببرد و بکشد؟ خب من قیام می‌کنم. حالا ما هم در زندگی داریم حق را می‌کشیم. داریم گناه می‌کنیم.

ما عرفه را از عاشورا جدا کرده‌ایم / عاشورا عمل عرفه است  
آیت‌الله ضیاءآبادی با اشاره به دعای عرفه امام حسین (ع) و با بیان این که این دعا همه حرف نبود و امام (ع) آن را در عاشورا پیاده کرد، اظهار کرد: ما چقدر مجالس فراوان داریم که دو ساعت طول می‌کشد تا این دعای عرفه خوانده شود اما یک کلمه از این عرفه بگیر که امام حسین چه می‌گوید. امام می‌گوید که ای خدا غیر از تو کسی هست روشنتر از تو باشد که دنبالش باشم و تو را از او بشناسم؟ می‌گوید کور شده است آن چشمی که تو را حاضر نمی‌بیند. اگر خود را حاضر ببیند دیگر گناه نمی‌کند و می‌گوید که خدا حاضر است و مرا می‌بیند و باید گناه نکنم.  
ایشان ادامه داد: عاشورا عمل عرفه است و امام خواست بگوید که همه‌اش حرف نیست. من در دامن این کوه عرفات ایستادم این دعا را خواندم و اشک ریختم و در عاشورا هم پیاده کردم. ما عرفه را از عاشورا جدا کرده‌ایم اما امام حسین (ع) این دو را با هم منضم کرده است؛ در عرفات دعا را با چشم‌های اشکبار خواند و روز عاشورا هم همان دعا را با بدن زخم شده پیاده کرد.

#### مفهوم شهید

آیت‌الله ضیاءآبادی در ادامه اشاره‌ای هم به مفهوم شهید کرد و گفت: شهید مشتق از شهود و مشاهده است. شهید واقعی آنی است که پیش از مردن حق را دیده و مشاهده کرده است و حق مثل آفتاب بر او روشن است و کشته شدنش از روی احساسات نیست و خطا و اشتباه نیست، بلکه حق را دیده و شناخته است؛ آن قدر عاشق دلباخته حق شده است که برای رسیدن به او از همه چیز و از همه کس می‌گذرد. اصلاً عشق به جمال حق چنان چشم دلش را پر کرده است که غیر خدا هیچ چیز را نمی‌بیند و غیر از خدا هیچ چیز را نمی‌خواهد. اگر ببیند که راه رسیدن به قرب خدا در خون غلطیدن خودش و عزیزانش و اسیر شدن بچه‌هایش هست باز هم اقدام می‌کند و خودش و عزیزانش را مقابل نیزه و شمشیر قرار می‌دهد.  
ایشان افزود: شهدا آن کسانی هستند که برای رسیدن به خدا بال و پر در آورده‌اند و آن قدر عاشق خدا هستند که اصلاً نمی‌توانند در این بدن بمانند. روز عاشورا شهدای کربلا اصلاً بال و پر در آورده بودند و آن چنان عاشق خدا بودند که نمی‌خواستند در بدن بمانند. اصلاً این بدن را قفس می‌دانستند و می‌گفتند که می‌خواهم هر چه زودتر بروم و با هم مسابقه گذاشته بودند. چرا؟ چون در راه خدا جان می‌دادند، خدا را دیده بودند، شناخته بودند، مشاهده کرده بودند و از همه چیز می‌گذشتند.

#### تکامل؛ راز عاشورا

ایشان راز این امر را حرکت در مسیر تکامل دانست و بیان کرد: یک مشت خاک تا جماد است و خاک است هیچ لطافت ندارد اما این خاک می‌آید گیاه می‌شود بعد در یوان تبدیل به گوشت و پوست و استخوان می‌شود و بعد در انسان مبدل به فکر و عقل و هوش می‌شود انسان می‌شود و اگر این در وجود یک انسان عالی قرار بگیرد می‌شود ایمان، می‌شود اهداف فاضله و اعمال صالحه. همه این‌ها آثار قربانی شدن یک موجود عالی در یک موجود عالی است. موجود دانی قربان موجود عالی می‌شود و به رنگ آن در می‌آید. این بشر اگر بماند و چند سالی بخورد و بخوابد و اعمال شهوت و غضب کند خب می‌میرد، اما اگر همتی کند و خود را قربان موضوع عالی کند، قربان حی لا یموت کند باقی به بقا او می‌شود. این مسئله تکامل انسان است. خدا خواسته است ما این جوری باشیم. دین خدا برای ما روشن کننده راه است و غیر از این راه نداریم.  
ایشان افزود: راه به امام حسین (ع) رسیدن همین است. شما واجبات را انجام بدهید و محرمات را ترک کنید؛ عمده همین است و نیاز به چیز دیگری نیست. گناهان انسان را از خدا دور می‌کند. تقوا داشته باشید، واجبات را انجام بدهید و محرمات را ترک کنید؛ مطمئن باشید کم کم نور در شما پیدا می‌شود.

لطفاً صبر کنید ...